

نواوراسیاگرایی روسیه و موازنه قدرت در شرق مدیترانه

حسین اطهری* و محسن بختیاری جامی**

نوع مقاله: علمی پژوهشی	تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۹/۳	تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۶	شماره صفحه: ۱۷۲-۱۴۵
------------------------	------------------------	------------------------	---------------------

سیاست خارجی دوره ریاست جمهوری یلتسین با آرمان ملی‌گرایان روسیه که خواهان احیای جایگاه قدرت برتر در جهان بودند تضاد داشت. ایده نواوراسیاگرایی و بازسازی جایگاه ازدست‌رفته در مناطق تحت نفوذ شوروی سابق باعث از بین رفتن روابط همگرایی با آمریکا شد. اولویت بازبانی قدرت در ژئوپلیتیک تحت کنترل شوروی سابق، روسیه را به سوی تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و نظامی برای دستیابی به موازنه قدرت و احیای نظام چندقطبی سوق داد. سیاست‌های نواوراسیاگرایی با سازوکار موازنه قدرت نظامی و مشارکت‌های راهبردی گذار به سوی نظام تک - چندقطبی در آغاز قرن ۲۱ را تسریع کرده است. گرایش به نظم منطقه‌ای مطلوب با وقوع بحران در روابط روسیه و آمریکا در اروپای شرقی و دریای سیاه شکل گرفت که دامنه آن به ژئوپلیتیک شرق مدیترانه و مرزهای جنوبی اعضای ناتو کشیده شد. براساس یافته‌های پژوهش رویکرد موازنه‌ای روسیه در برابر هژمونی آمریکا در مدیترانه با تجاوز به سوریه و مبارزه با تروریسم آغاز شد که به تدریج شکافی راهبردی میان آمریکا و ترکیه ایجاد کرد. استقرار تسلیحات راهبردی در شرق مدیترانه به شکل‌گیری زنجیره‌ای از ائتلاف‌های نظامی استراتژیک با کشورهای ساحلی انجامید که در چارچوب نظریه نومنطقه‌گرایی جای می‌گیرد. اهمیت دستیابی به موازنه قدرت برای روسیه در جنگ سرد جدید، دامنه جنوبی ناتو در مدیترانه را عرصه رویارویی نظامی روسیه و آمریکا قرار داده است. مبارزه همه‌جانبه روسیه با تروریسم برگ برنده‌ای برای همگرایی نظامی و شکل‌دهی به نظم جدید منطقه‌ای بر ضد هژمونی آمریکا و گسترش نفوذ ژئوپلیتیک در سواحل جنوب مدیترانه است. در این پژوهش با روش تحلیلی - کیفی درصد تأثیر رویکرد نواوراسیاگرایی بر شکل‌گیری مقاومت در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا هستیم که نویدبخش شکل‌گیری نظام تک - چندقطبی از طریق سازمان‌دهی به ائتلاف‌های منطقه‌ای و نظامی در برابر هژمونی آمریکاست.

کلیدواژه‌ها: استراتژی؛ ژئوپلیتیک؛ موازنه قدرت؛ نواوراسیاگرایی؛ هژمونی

* دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد؛

Email: athari@um.ac.ir

** دانش‌آموخته علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)؛

Email: m_ba1363@yahoo.com

مقدمه

اوج‌گیری تمایلات نوآوراسیاگرایی^۱ در روسیه پس از دوران کوتاه غرب‌گرایی بوریس یلتسین^۲ نویدبخش ایفای نقش قدرت بزرگ و بازیابی جایگاه از دست رفته به واسطه شکل دهی به نظام چندقطبی‌گرایی با سازوکار موازنه قدرت است. رویارویی روسیه با هژمونی^۳ آمریکا در دامنه جنوبی کشورهای ناتو، ضرورت ایفای نقش رهبری در ائتلاف‌های نظامی منطقه‌ای در ژئوپلیتیک^۴ شرق مدیترانه برای حراست از حیاط خلوت روسیه در دریای سیاه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. در این راستا بحران سوریه فرصتی کم‌نظیر برای توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک و پیشروی به سوی پایگاه‌های نظامی سابق در کشورهای ساحلی شرق و جنوب شرق مدیترانه برای دستیابی به موازنه قدرت در جنگ سرد جدید است. رویکرد تهاجمی روسیه در دفاع از تنها متحد سنتی (سوریه) در شرق مدیترانه گام مهمی برای تغییر موازنه قدرت به نفع منافع راهبردی بلندمدت در حوزه مدیترانه است. حمایت همه‌جانبه از حکومت سوریه در برابر مخالفان مسلح؛ چرخش راهبردی در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه به سوی روسیه ایجاد کرد. چراغ سبز روسیه به ترکیه برای اجرای عملیات بر ضد شبه‌نظامیان کرد در شمال سوریه شکافی عمیق میان ائتلاف به رهبری آمریکا در شرق مدیترانه ایجاد کرد. همچنین کنترل بر کانون قدرت تهاجمی ناتو^۵ در مجاورت حیاط خلوت روسیه با اجرای گسترده استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای^۶ با کاربرد انواع تسلیحات متعارف و نامتعارف چشم‌انداز همگرایی نظامی روسیه با ترکیه را تقویت کرده است که به افزایش قدرت مانور نظامی روسیه در دریای سیاه و مدیترانه یاری می‌رساند.

هژمونی نظامی روسیه در شرق مدیترانه به تدریج با راهبرد مشارکت توأم با موازنه نسبت

1. Neo-Eurasianism
2. Boris Yeltsin
3. Hegemony
4. Geopolitics
5. North Atlantic Treaty Organization

۶. این استراتژی مبتنی بر یک سیستم یکپارچه موشک‌های زمین به هوا، موشک‌های کروز ضدکشتی، زیردریایی، کشتی‌های جنگی و هواپیماست که برای عقب راندن دشمن تا دورترین فاصله ممکن طراحی شده‌اند و فضای امنی برای نیروهای تحت پوشش ایجاد می‌کند.

به قدرت‌های نظامی منطقه پیگیری شد. همکاری نظامی روسیه با رژیم صهیونیستی پس از وقوع تنش به دلیل سقوط هواپیمای شناسایی روسیه دیری نپایید و منجر به واگذاری سامانه‌های پیشرفته دفاعی به حکومت سوریه برای حراست از سنگر جنوبی روسیه و تضعیف قدرت مانور آمریکا و رژیم صهیونیستی برای تجاوز هوایی به خاک سوریه شد.

گسیل همه‌جانبه نیروی دریایی روسیه به مدیترانه شرقی گستره قدرت‌سازی روسیه را به فراسوی سواحل سوریه و به آب‌های مدیترانه کشاند. گرایش قبرس^۱ به همکاری نظامی با روسیه؛ حاصل رویکرد واقع‌گرایی برای مقابله با خطر تجاوز ترکیه و دستیابی به نیروی موازنه‌بخش در مجاورت پایگاه دریایی انگلستان در سواحل جنوبی است.

جهش روسیه به سوی ژئوپلیتیک شمال آفریقا را دستاورد موفقیت‌آمیز در زمینه مبارزه با تروریسم در سوریه تسهیل کرد و در گام اول باعث پیوند نظامی با مصر برای دغدغه‌های امنیتی شد. به تدریج مشارکت راهبردی - نظامی مصر و روسیه به هدف اصلی روسیه که حضور پررنگ در پایگاه‌های سابق شوروی در سواحل جنوب مدیترانه بود جامه عمل پوشاند که جلوه‌ای بارز از سیاست‌های توسعه‌طلبانه نوآر آسیاگرایی بلندمدت روسیه است. با این مقدمات سؤال اصلی پژوهش این است که سیاست‌های نوآر آسیاگرایی روسیه چگونه موازنه قدرت در شرق مدیترانه را به نفع روسیه تغییر داده است؟ فرضیه اصلی پژوهش این است که روسیه با اتخاذ سیاست‌های تهاجمی و ایجاد ائتلاف‌های منطقه‌ای سدی در برابر یکجانبه‌گرایی و توسعه‌طلبی آمریکا و متحدان ایجاد کرده است. روش تحقیق این پژوهش توصیفی، تبیینی و تحلیلی است که در گردآوری داده‌ها از منابع اسنادی - کتابخانه‌ای، منابع لاتین و اینترنت استفاده شده است. هدف کلی تحقیق مشخص کردن تأثیر رویکرد نوآر آسیاگرایی روسیه بر موازنه قدرت با آمریکا در محیط ژئوپلیتیک شرق مدیترانه است.

۱. چارچوب نظری: نومنطقه‌گرایی

ممنوعه‌گرایی در ادبیات روابط بین‌الملل به تشکیلات و اجتماعاتی اطلاق می‌شود که

1. Cyprus

حداقل مرکب از سه واحد سیاسی باشند (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۰۳). به عبارت دیگر منظور از منطقه‌گرایی همکاری متقابل چند دولت واقع در یک حوزه جغرافیایی است که دارای اهداف مشترک هستند و در سه وجه متفاوت خود را ظاهر می‌کند: الف) سیستم‌های اتحاد نظامی، ب) سیستم‌های اقتصادی و ج) گروه‌بندی‌های سیاسی (آقابخشی، ۱۳۶۴: ۲۰۵). نومنطقه‌گرایی^۱ به عنوان شکل چندوجهی از همگرایی تعریف شده است که وجوه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و نظامی را دربرمی‌گیرد. نویسندگان متعددی تعاریف متفاوتی از منطقه‌گرایی ارائه داده‌اند، ولی معمولاً این امر به موج دوم همکاری‌های منطقه‌ای که از سال ۱۹۸۰ شکل گرفت اشاره دارد. در این نظریه بر مناطق به‌عنوان خرده‌نظام‌های بین‌المللی که پایه سرزمینی دارند تأکید شده است و از طرفی این باور وجود دارد که انواع فراوانی از خرده‌نظام‌های منطقه‌ای وجود دارند که تا حدودی از جهات مختلف یک واحد منسجم را شکل می‌دهند (هتته، اینوتای و اوزالدو، ۱۳۹۱ الف: ۱۴).

در دنیای امروز دو فرایند جهانی شدن و تشکیل مناطق سیاسی، اقتصادی و نظامی هم‌زمان در جریان هستند که بر ثبات و نظم نظام دولت‌های وستفالیایی^۲ اثر گذاشته‌اند. در این نظریه مناطق، پدیده‌های بالنده‌ای هستند که به صورت مبهم هم بخشی از روند جهانی شدن را تشکیل می‌دهند و هم بر ضد آن عمل می‌کنند.

برای شناخت بهتر می‌توان سیاستگذاران منطقه‌گرا را به دو دسته تقسیم کرد، کسانی که نفوذشان از منطقه‌ای خاص برمی‌آید یعنی قدرت‌های جهانی و کسانی که نفوذشان محدود به منطقه‌ای خاص است یا همان قدرت‌های منطقه‌ای (همان: ۲۶). در منطقه‌گرایی نوین بر برخی مسائل تأکید می‌شود که آن را از منطقه‌گرایی سنتی متمایز می‌کند. در حالی که منطقه‌گرایی سنتی در بستر نظام دوقطبی شکل گرفت؛ نومنطقه‌گرایی در نظم جهانی چندقطبی به وجود می‌آید. در حالی که منطقه‌گرایی سنتی از بیرون و بالا توسط ابرقدرت ایجاد می‌شود؛ نومنطقه‌گرایی بیشتر فرایندی خودجوش و از درون و پایین است که دولت‌های منطقه‌ای خودشان بازیگران اصلی هستند و در ایجاد آن دخیل‌اند.

1. New-Regionalism

2. Westphalian

در نومنطقه‌گرایی تفکیکی بین نظامی‌گری و اقتصادگری وجود ندارد و چندبُعدی است، درحالی‌که منطقه‌گرایی سنتی بر یک بُعد صرفاً سیاسی و اقتصادی تأکید دارد. در نهایت در نومنطقه‌گرایی علاوه بر دولت‌ها بازیگران غیردولتی نیز حضور دارند و بخشی از فزاینده‌گرایی ساختاری نظام جهانی هستند. از این رو نومنطقه‌گرایی تأکید قوی‌تری بر ابعاد سیاسی داشت. سازمان‌های منطقه‌ای که بعد از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند با اهداف اقتصادی و امنیتی معمولاً از بالا و بیرون از منطقه‌ها سازمان‌دهی می‌شوند (Hettne, 1994: 2).

۲. ابعاد نومنطقه‌گرایی

نومنطقه‌گرایی دارای ابعاد مختلفی است که عبارتند از:

۲-۱. فرهنگ

روند تشکیل منطقه حکایت از شکل‌گیری همگونی جدید در مقابل ناهمگونی است که دارای ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، امنیتی و اقتصادی است. در بُعد فرهنگی همگونی بسیار آرام حاصل می‌شود و مسئله مهم میزان قرابت فرهنگی اولیه دولت‌هایی است که به همکاری منطقه‌ای روی می‌آورند. درحالی‌که نومنطقه‌گرایی سنتی به واسطه توجه بیش از حد به فاکتور اقتصادی این بُعد فرهنگی را کامل کنار گذاشته بود. اگر شکل‌گیری منطقه‌ای را پروژه‌ای سیاسی در نظر بگیریم اهمیت فرهنگ بیشتر نمایان می‌شود (هتنه، اینوتای و اوزالدو، ۱۳۹۱ الف: ۶۴). هرچند قرابت فرهنگی مانع درگیری بین کشورها نمی‌شود و سایر عوامل اقتصادی، امنیتی و... را هم باید در نظر گرفت.

۲-۲. امنیت

بُعد مهم و تعیین‌کننده در منطقه‌گرایی مربوط به امنیت است و حتی شکل‌گیری و تعریف نظام‌های منطقه‌ای به این عامل بستگی دارد. شکاف‌های امنیتی در سرتاسر جهان وجود دارد به طوری‌که در دوران جنگ سرد به وضوح نمایان بود. دولت‌ها اگر بخواهند راه‌های همکاری اقتصادی و سیاسی را بگشایند نیازمند تعریف جدیدی از امنیت در سطح جهان

خواهند بود. فروپاشی نظم جنگ سرد پیش شرط‌های امنیت و همکاری امنیتی را تغییر داده از این رو نیازمند بازطراحی امنیت منطقه‌ای است. بنابراین شرط لازم برای همگرایی منطقه‌ای وجود نظم امنیتی است.

۲-۳. سیاست‌های اقتصادی

همگرایی منطقه‌ای در حالت عادی مبتنی بر نظم بازار است و دولت‌ها تلاش دارند از طریق همکاری‌های منطقه‌ای نیازهای خود را برآورده کنند. شکل‌گیری مناطق خاص به‌گونه‌ای اتفاق می‌افتد که منافع جمع حاصل شود. هماهنگی و همگرایی سیاست‌های اقتصادی می‌تواند به‌طور خودجوش راه را برای منطقه‌گرایی هموار کند. در شرایط جهانی شدن منطقه‌گرایی فرصت‌هایی برای جلوگیری از به حاشیه رفتن کشورها در نظم نوین جهانی فراهم می‌کند. در منطقه‌گرایی نوین تلاش‌ها در راستای حفظ منافع جمعی مناطق است و در نتیجه از مبادله صرف کالا فراتر می‌رود (هتته، اینوتای و اوزالدو، ۱۳۹۱: ب: ۲۰۶).

۲-۴. رژیم سیاسی

همگرایی منطقه‌ای به نظام سیاسی و نیز جایگاه مردم در این نظام ارتباط پیدا می‌کند. این روند در سطوح مختلفی شامل ساختار جهانی، مناسبات میان منطقه‌ای و فروملی ظاهر می‌شود.

آنچه از نومنطقه‌گرایی برمی‌آید این است که این مسائل جزئی از شکل بخشیدن به نظم نوین جهانی محسوب می‌شود به‌گونه‌ای که سمیرامین نومنطقه‌گرایی را حکم جایگزینی می‌داند که در چارچوب آن منطقه‌گرایی عامل اصلاح روند جهانی شدن می‌شود (هتته، اینوتای و اوزالدو، ۱۳۹۱: ب: ۱۲۹).

۳. چارچوب مفهومی: نووراسیاگرایی

سیاست خارجی روسیه در دوران حکومت بوریس یلتسین با دو گرایش متضاد با هم در دهه نخست دوران پسادوقطبی دنبال شد. رویکرد غرب‌گرا که ایالات متحده را به‌عنوان

متحد سیاسی، اقتصادی و یک منبع بالقوه کمک مالی برای اصلاحات اقتصادی، توسط اندری کوزیرف^۱ پیگیری شد. رویکرد ملایم و انعطاف‌پذیر کوزیرف با پیشبرد سیاست‌های توسعه‌طلبانه آمریکا نظیر گسترش ناتو به شرق و حمله به یوگسلاوی^۲ باعث چرخشی راهبردی و حرکت به سوی استقلال و خودیاری در روابط خارجی حکومت یلتسین شد. انتخاب یوگنی پریماکوف^۳ به‌عنوان وزیر خارجه ایده چندقطبی‌گرایی و موازنه قدرت در برابر ایالات متحده و ناتورا پررنگ کرد. بنابراین نظم نوین جهانی مورد نظر پریماکوف نشانه‌ای از چندجانبه‌گرایی در قالب چندقطبی‌گرایی در برابر هژمونی آمریکا بود (Fedorov, 2006: 42). در این زمان بازیابی جایگاه قدرت بزرگ روسیه و تشکیل محوری بر ضد یکجانبه‌گرایی آمریکا در سیاست‌های جهان نقش محوری در سیاست خارجی روسیه داشت. از این رو چندقطبی‌گرایی تضاد شدیدی با رهبری آمریکا در ایجاد جهان تک‌قطبی و یکجانبه‌گرا داشت که هدف آن انکار، انحلال و منع ساختار تک‌قطبی و یکجانبه‌گرایانه بود. مفهوم موازنه قدرت حتی در دوران تلاطم سیاست خارجی بوریس یلتسین به‌عنوان اصل راهنمای سیاست خارجی بود. اصول حکومت مشترک دوقطبی، چندجانبه‌گرایی، مشارکت و ثبات استراتژیک؛ ایده‌های مبتنی بر مفهوم موازنه قدرت بودند (Lo, 2002: 106).

گرایش به سیاست خارجی توسعه‌طلبانه ژئوپلیتیک به تدریج ایده نوآواراسیای‌گرایی را به گفتمان غالب در سیاست خارجی روسیه از زمان به قدرت رسیدن ولادیمیر پوتین^۴ در سال ۲۰۰۰ تبدیل کرد. الکساندر دوگین^۵ نظریه‌پرداز نوآواراسیای‌گرایی متأثر از نظریه‌های هالفورد مکیندر^۶ و کارل هوشفر^۷ تاریخ را کشمکش میان نوآواراسیای‌گرایان و قدرت‌های سرزمینی به رهبری روسیه و آتلانتیک‌گرایان^۸ برخوردار از متحدان دریایی به رهبری آمریکا می‌داند.

1. Andrey Kozirev
2. Yugoslavia
3. Yevgeny Primakov
4. Vladimir Putin
5. Alexander Dugin
6. Halford Macinder
7. Karl Haushofer
8. Atlanticism

در نوآراسیاگرایی دوگین تقابل اجتناب‌ناپذیری میان قدرت دریایی و سلطه نظم نوین جهانی به رهبری آمریکا و قدرت زمینی نظم اوراسیایی نوین روسی وجود دارد، که به لحاظ جغرافیایی سرزمین‌های اتحاد شوروی و مناطق دریایی اوراسیای مرکزی را دربرمی‌گیرد. الکساندر دوگین تحت تأثیر نظریه ریملند^۱ (سرزمین پیرامونی) جان اسپایکمن^۲ جهان را به مناطق دارای اهمیت ژئواستراتژیک^۳ تقسیم می‌کند. اهمیت سرزمین‌های پیرامونی در نظریه نوآراسیاگرایی به دلیل وجود متحدان بالقوه روسیه یا سرزمین‌های مستقل است. از این رو کامیابی و موفقیت قطب اوراسیا به رهبری روسیه با تشکیل بلوک نظامی و همکاری شرکای استراتژیک ضد آتلانتیک در پیرامون مرزهای جنوبی و غربی روسیه به دست می‌آید. از نظر دوگین برخورد میان سلطه سرزمینی و سلطه دریایی نیروی محرک اصلی پشتیبان همه تضادهای جهانی به‌ویژه تنش بین روسیه و آمریکا است (Kaliniy, 7: 2018).

نوآراسیاگرایی دوگین بر پایه گسترش ایده احیای روسیه به‌عنوان امپراتوری اوراسیاست. بنابراین وظیفه اصلی رویکرد نوآراسیاگرایی گسترش فضای اوراسیای متحد تحت رهبری روسیه است و روسیه باید به‌عنوان یک قدرت هژمون با نقش قابل مقایسه در امور منطقه‌ای و جهانی اوراسیا درک شود (Rangsimaprn, 2006: 380). از نظر دوگین رسالت روسیه سازمان‌دهی بلوک اوراسیایی قدرت در برابر قدرت‌های آتلانتیک با بهره‌گیری از قابلیت‌های استراتژیک و رهبری کشورهای در معرض خطر سلطه آمریکا است. هدف نوآراسیاگرایی ارتقای جایگاه روسیه در نظام جهانی و تشکیل جهان چندقطبی برآمده از اراده دولت - ملت‌ها از مسیر همگرایی منطقه‌ای در فضای ژئوپلیتیک وسیع‌تر به واسطه اتحاد استراتژیک با دولت - ملت‌های دارای خصوصیات تاریخی و تمدنی مشابه با روسیه است (Dugin, 2014: 61).

نظریه نوآراسیاگرایی ضمن اشتراک با واقع‌گرایی^۴ در مقوله‌های قدرت و جنگ

-
1. Rimland
 2. John Spykman
 3. Geo Stratategic
 4. Realism

به عنوان راه حل های نهایی منازعه، اختلافات عمیقی دارد. نواوراسیاگرایان برخلاف واقع گرایان که دولت - ملت ها را واحدهای اصلی در نظام بین الملل می دانند برامپراتوری^۱ به عنوان واحد تحلیل تأکید دارند. به عبارتی واقع گرایان راه دستیابی به صلح را از مسیر موازنه قدرت در برابر رقبا تعقیب می کنند. نواوراسیاگرایان بر اجتناب ناپذیر بودن جنگ میان امپراتوری آتلانتیک به رهبری آمریکا و امپراتوری اوراسیا به رهبری روسیه تأکید دارند (Ersen, 2004: 137). با روی کار آمدن مجدد ولادیمیر پوتین در سال ۲۰۱۲ طرح ارتقای جایگاه روسیه به عنوان یک قطب بزرگ قدرت در جهان چندقطبی، پیگیری نقش محوری در عرصه جهانی و به رسمیت شناخته شدن به عنوان ابرقدرت بین المللی در دستور کار قرار گرفت (Harzvi, 2016: 3).

سند جدید سیاست خارجی روسیه بارزترین جلوه گرایش به موازنه قدرت و پیشبرد سیاست های جاه طلبانه نواوراسیاگرایی است. سند دسامبر سال ۲۰۱۶ با توجه به تحولات جدید منطقه ای و بین المللی، یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی را تحکیم جایگاه به عنوان مرکز نفوذ در جهان قرار داده است. در واقع توسعه طلبی ژئوپلیتیک روسیه حاصل گذار به نگاه واقع گرایانه و تهاجمی برای دفاع از منافع استراتژیک با کاربرد پیشرفته ترین تسلیحات راهبردی است. در این راستا تشکیل زنجیره ای از سیستم های دفاع هوایی از پایگاه سواستوپل^۲ کریمه تا گیومری^۳ ارمنستان در دریای سیاه و امتداد آن تا پایگاه لاذقیه^۴ برگ برنده روسیه برای همگرایی و اتحاد نظامی با کشورهای منطقه در گرماگرم جنگ سرد جدید در شرق مدیترانه است (Bodansky, 2016: 6).

۴. بحران سوریه و موازنه قدرت در شرق مدیترانه

پایان جنگ سرد و تغییر نظم جهانی از دوقطبی به تک - چندقطبی موجب احیای رویکرد

1. Empire

2. Sevastopol

3. Gyumri

4. Latakia

موازنه قدرت در نظریه واقع‌گرایی شد. زیرا نظم جهانی تک‌قطبی به دلیل سیاست‌های رقابتی بازیگران مختلف برای برقراری موازنه قدرت با ابرقدرت بی‌ثبات و متزلزل است. در نظام تک - چندقطبی بازی قدرت بین یک ابرقدرت و تعدادی از قدرت‌های بزرگ در جریان است. در این نظام برتری ابرقدرت در حوزه نظامی و فناوری قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای را به سوی تشکیل ائتلاف ضد هژمونیک سوق می‌دهد که نشانه‌ای از تلاش برای تشکیل هژمونی جهانی و دفاع از منافع قدرت‌های منطقه‌ای است (Holsti, 1992: 8). در نظام تک - چندقطبی ابرقدرت برتری فزاینده‌ای در حوزه‌های اقتصادی، نظامی، دیپلماتیک،^۱ ایدئولوژیک،^۲ فناوری و فرهنگ دارد و در طرف دیگر قدرت‌های منطقه‌ای بزرگ بازیگرانی مسلط در مناطق راهبردی هستند که منافع و قابلیت‌های آنها به اندازه ابرقدرت نیست. در این نظام روابط محوری میان ابرقدرت و قدرت‌های منطقه‌ای بزرگ در جریان است و عدم رضایت از این نظام، ابرقدرت را به تلاش برای تداوم نظام تک‌قطبی و سایر قدرت‌ها را به سوی تشکیل نظام چندقطبی با ابزار ائتلاف اقتصادی و نظامی سوق می‌دهد. در واقع ویژگی بارز این نظام وجود رقابت، منازعه و انسجام در حوزه‌های مختلف است، اما هیچ‌گونه تنش و منازعه جدی میان ابرقدرت و قدرت‌های منطقه‌ای بزرگ شکل نمی‌گیرد (Huntington, 1999: 42).

در واقع‌گرایی کلاسیک، هانس جی مورگنتا^۳ اتحاد استراتژیک قدرت‌ها با متحدان را ضرورت کارکردی نظام موازنه قدرت در نظام چندقطبی می‌داند. در واقع دولت‌هایی که قدرت کافی برای مقابله با همه تهدیدها را ندارند با ادغام در اتحادها قدرت یکدیگر را برای ارتقای قابلیت‌های تهاجمی افزایش می‌دهند (Nexon, 2009: 48). در واقع‌گرایی تهاجمی جان مرشایمر^۴؛ موازنه قدرت برای ثبات و نظام بین‌الملل صلح‌آمیز حیاتی است. فرضیه اصلی در واقع‌گرایی تهاجمی این است که دولت‌ها جویای موازنه قدرت در نظام آنارشیک^۵ نیستند، بلکه به دنبال موازنه تهدیدات هستند. در نهایت در نظریه توسعه‌یافته

1. Diplomatic

2. Ideological

3. Hans J Morgenthau

4. John Mearsheimer

5. Anarchic

نوواقع‌گرایی رابرت گیلپین^۱ و کنت والتز^۲؛ سلطه قدرت‌های بزرگ در نظام بین‌الملل به قدرت و تکنولوژی^۳ نظامی وابسته است که قابلیت‌هایی از جنگ و تغییر موازنه قدرت بین‌المللی از طریق تأثیرگذاری بر قدرت ملی را دارد (Waltz, 1979: 23).

گرایش روسیه به اتخاذ رویکردهای موازنه‌ای و تهاجمی در برابر ایالات متحده از بحران اوکراین^۴ و الحاق کریمه^۵ به خاک روسیه آغاز و دامنه آن به رویارویی نظامی دو قدرت در سراسر شرق مدیترانه کشانده شد. تصویب دکترین جدید دریایی روسیه در جولای ۲۰۱۶ پشتوانه‌ای برای پیشبرد سیاست‌های نومنطقه‌گرایی روسیه در پیرامون حیات خلوت روسیه است. در این سند نیروی دریایی روسیه ملزم به حضور نظامی در دریای مدیترانه با سلطه بر پایگاه‌های دائم برای مقابله با آرایش دریایی ناتو در مدیترانه و دامنه جنوبی ناتو است (Persson, 2016: 113).

۵. مبارزه روسیه با تروریسم و شکاف در ائتلاف ترکیه و آمریکا

تهاجم روسیه به مواضع اسلام‌گرایان افراطی صرف‌نظر از حذف تهدید امنیت ملی روسیه در جمهوری‌های خودمختار قفقاز^۶ شمالی زمینه پیشروی نیروهای دولتی سوریه و سلطه بر فضای هوایی برای مقابله با یکجانبه‌گرایی نیروهای ائتلاف به رهبری آمریکا را فراهم کرد. گسترش دامنه حملات هوایی روسیه بر ضد مخالفان حکومت سوریه که مورد حمایت ترکیه و آمریکا بودند به تدریج به تضعیف گروه‌های شورشی قدرتمند و تشدید اختلاف و واگرایی میان ائتلاف متحدان ناتو برای حمایت از شورشیان شد. حمایت همه‌جانبه آمریکا از شبه‌نظامیان کرد در شمال سوریه و مبارزه ترکیه با این گروه‌ها در مرزهای جنوبی فرصتی استثنایی برای تشدید تنش در ائتلاف آمریکا با ترکیه بر ضد روسیه در دریای سیاه و شرق

-
1. Robert Gilpin
 2. Kenneth N Waltz
 3. Technology
 4. Ukraine
 5. Crimea
 6. Caucasus

مدیترانه فراهم کرد. پشتیبانی نظامی ایالات متحده از گروه‌های وابسته به حزب کارگران کردستان^۱ در شمال سوریه به تدریج باعث چرخش راهبردی ترکیه به سوی روسیه برای تأمین امنیت مرزهای جنوبی شد. حمایت همه‌جانبه آمریکا از حزب اتحاد دمکراتیک کرد^۲ و شاخه نظامی یگان‌های مدافع خلق^۳ در شمال سوریه کابوس امنیتی در مجاورت مرزهای جنوبی ترکیه از کوبانی^۴ تاعفرین^۵ را گسترانده است. از طرف دیگر کنترل روسیه بر فضای هوایی شمال غرب سوریه برگ برنده‌ای برای همکاری‌های استراتژیک با ترکیه و عقب راندن نیروهای وابسته به آمریکا به بخش شرقی رود فرات شده است (Gurcan, 2017: 23). با این حال نقطه عطف در همگرایی روسیه با مهم‌ترین متحد آمریکا در مدیترانه شرقی موافقت روسیه با ترکیه برای اجرای عملیات سپر فرات^۶ در اگوست ۲۰۱۶ چراغ سبز به اعزام نیروی نظامی ترکیه و اجرای عملیات مشترک با روسیه در حلب^۷، اجازه پیشروی نیروهای ارتش آزاد سوریه^۸ و اجرای عملیات نیروی هوایی ترکیه برای مبارزه با داعش و حفظ امنیت مرزهای ترکیه ثمره زودرس مشارکت دوجانبه برای ترکیه بود. اجرای اولین عملیات مشترک هوایی با ترکیه در دسامبر ۲۰۱۶ برای محاصره شهر شمالی الباب^۹ تحت کنترل داعش پیروزی بزرگ و راهبردی در همگرایی نظامی با بزرگترین عضو ناتو در مرزهای جنوبی دریای سیاه است. از طرف دیگر هم‌زمان با همکاری‌های راهبردی در حال رشد روسیه با ترکیه افشای طرح آموزش ۳۰۰۰۰ شبه‌نظامی یگان‌های مدافع خلق در سراسر مرزهای ترکیه بر دامنه اختلافات و تنش میان ترکیه و آمریکا افزود که در عمل جدیت ترکیه برای مبارزه با نیروهای کرد در همکاری با روسیه را تقویت کرد (Peery and Coskun, 2018: 56).

1. Kurdistan Workers Party (PKK)
2. Kurdish Democratic Union Party (PYD)
3. People Protection Units (YPG)
4. Kobane
5. Afrin
6. Euphrates Shield
7. Allopo
8. Free Syrian Army (FSA)
9. Al-Bab

اجرای عملیات شاخه زیتون^۱ ترکیه در ژانویه ۲۰۱۸ با عقب‌نشینی نظامیان روسیه از شهر عفرین پایگاه یگان‌های مدافع خلق در شمال غرب سوریه انجام شد. اهداف مشترک این عملیات حراست از مرزهای ترکیه در برابر حمایت آمریکا از سازمان تروریستی، انسداد دستیابی یگان‌های مدافع خلق به سواحل شرقی مدیترانه و تضمین کنترل مخالفان مورد حمایت ترکیه در مناطق مرزی با سوریه بود. حمایت کامل روسیه از اجرای قدرتمندانه عملیات شاخه زیتون در شمال غرب سوریه در درجه اول برای حفظ نقش بازیگر کلیدی ترکیه در مذاکرات سه‌جانبه و استمرار طرح تنش‌زدایی در منطقه ادلب در همسایگی لاذقیه^۲ صورت گرفت. اتخاذ رویکرد انعطاف‌پذیر روسیه نسبت به تجاوز ترکیه به مواضع نیروهای وابسته به آمریکا به لحاظ راهبردی به گسترش واگرایی ترکیه با آمریکا در حوزه همکاری‌های نظامی در دریای سیاه و حداکثرسازی اولویت‌های استراتژیک روسیه در منطقه شرق مدیترانه است. اهمیت راهبرد جدید روسیه تضمین‌کننده حفظ یکپارچگی سرزمینی و شکست طرح آمریکا برای ایجاد منطقه خودمختار در شمال سوریه خواهد داشت (Yesiltas, 2018: 4).

اهمیت حیاتی عملیات شاخه زیتون برای روسیه عقب‌راندن حوزه نفوذ شبه‌نظامیان تحت حمایت آمریکا به کرانه شرقی رود فرات و ایجاد سدی در برابر پیشروی آنها به مناطق مجاور پایگاه‌های روسیه در غرب سوریه است. در عرصه دیپلماتیک، تشدید مناقشه بین آمریکا و ترکیه در حوزه شمال سوریه به نقش‌آفرینی پررنگ‌تر ترکیه در راستای گسترش مناطق کم‌تنش در غرب سوریه در قالب اجلاس سه‌جانبه به ابتکار روسیه یاری رساند که نشان از اراده جدی برای حل بحران‌های منطقه‌ای بدون حضور آمریکا و گامی به سوی احیای سیاست چندقطبی‌گرایی با تشکیل ائتلاف جدید منطقه‌ای است.

۶. نظامی‌گری و توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک

ابعاد استراتژیک حضور روسیه در شرق مدیترانه بر پایه توسعه پیوندهای نظامی و

1. Olive Branch

2. Latakia

ائتلاف‌های منطقه‌ای با هدف پیشبرد سیاست‌های نومنطقه‌گرایی و نفوذ ژئوپلیتیک برای پیروزی در جنگ سرد جدید است. قدرت‌نمایی روسیه در سنگر جنوبی به دلیل اتصال با مرزهای جغرافیایی اعضای ناتو چالشی بزرگ برای قدرت تهاجمی متحدان ناتو در مجاورت حیات خلوت روسیه است. بنابراین پیشبرد سیاست نواوراسیاگرایی روسیه بر پایه رویکرد تهاجمی و کاربرد پیشرفته‌ترین تکنولوژی‌ها و جنگ افزارهای جنگ سخت و نرم در راستای توازن قدرت و تداوم نظام تک - چندقطبی است. استمرار جنگ فرسایشی سوریه عرصه‌ای برای توسعه قابلیت‌های تهاجمی و تدافعی با اجرای جامع استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای^۱ به منظور کسب هژمونی در شرق مدیترانه است. استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای متکی بر کاربرد قابلیت‌های پیشرفته نظامی شامل سیستم‌های دفاع هوایی پیشرفته، نیروی هوایی تهاجمی، ناوگان‌های ساحلی و زیردریایی، موشک‌های کروژ^۲ و بالیستیک^۳ و تجهیزات جنگ سایبری^۴ است (Long and Gompert, 2017: 12).

در واقع محرک اصلی اجرای این استراتژی در شرق مدیترانه تدوین سند دکترین دریایی روسیه است که تا سال ۲۰۳۰ را دربرمی‌گیرد. در سند سال ۲۰۱۶ مسیر کلی نیازمند ارتقای قابلیت‌های عملیاتی و توانایی حفظ حضور بلندمدت نیروهای دریایی در مناطق دریایی استراتژیک مهم به خصوص دریای سیاه و مدیترانه است. در این سند تهدید اصلی در قلمرو دریایی روسیه پیشروی نیروهای آمریکا و ناتو برای دستیابی به جایگاه مسلط در اقیانوس‌ها و برتری مطلق بر دریاهاست. در مقابل نیروی دریایی روسیه باید آمادگی واکنش با پیشروی رزم‌ناوهای پیشرفته مجهز به تسلیحات دقیق برای مقابله به مثل با توجه به قابلیت‌های جنگاوری را داشته باشد (www.kremlin.ru, 2016).

در همین راستا بزرگترین دستاورد استراتژیک بحران سوریه برای روسیه توافق ژانویه ۲۰۱۷ برای مالکیت ۴۹ ساله پایگاه‌های ساحلی سوریه که جلوه‌ای از بُعد امنیتی سیاست

-
1. Anti-Access and Area-Denial (A2/Ad)
 2. Cruise Missiles
 3. Ballistic
 4. Cyber

نومنطقه‌گرایی روسیه در شرق مدیترانه است. در این توافق اختیار به‌کارگیری یازده کشتی بزرگ جنگی و آماده‌سازی پایگاه طرطوس^۱ به‌منظور استقرار زیردریایی‌های اتمی روسیه داده شده است. این مالکیت و کنترل کامل پایگاه ساحلی شرق مدیترانه رویکرد تهاجمی روسیه را با کاربرد سیستم‌های دفاع هوایی اس-۲۲^۲ پنتسیر^۳ و اس-۳۰۰^۴ پیشرفته، سکوه‌های دریایی با قابلیت پرتاب موشک‌های کروزر ضد کشتی مافوق صوت آنیکس پی-۸۰۰^۴ و سیستم‌های موشکی ضد کشتی زمین به دریا یا کونت^۵ تقویت کرد و این پایگاه را تکیه‌گاه اصلی برای دفاع از منافع راهبردی روسیه در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا و متحدان قرار داد (Pinko, 2017: 4). همچنین استقرار هفت سامانه موشکی اس-۳۰۰ در این پایگاه ضمن تضمین افزایش قدرت مانور هوایی و حراست از تسلیحات تهاجمی؛ چالشی عمیق برای پیشبرد طرح‌های نظامی آمریکا در شرق مدیترانه است. علاوه بر این کانون قدرت هوایی روسیه در پایگاه هوایی لاذقیه (حمیمیم)^۶ در شمال غرب سوریه شکل گرفته که مجهز به چتر دفاعی چندلایه و کاربرد سامانه موشکی میان‌برد پنتسیر اس ۱ و اس ۲ برای ردیابی و حراست از پایگاه، سیستم‌های موشکی پیشرفته دوربرد زمین به هوا، هواپیماهای استراتژیک جنگی و ترابری است (Holmboe, 2017: 2).

اهمیت راهبردی این پایگاه در قدرت‌یابی روسیه در شرق مدیترانه با وقوع تنش بین روسیه و ترکیه در اثر سقوط یک فروند جنگنده روسیه شدت گرفت. کاربرد سیستم‌های دفاع هوایی دوربرد اس-۴۰۰ در پایگاه حمیمیم با قابلیت رهگیری و نابودی هواپیماهای شناسایی، جاسوسی، راهبردی، بمب‌افکن، موشک‌های بالستیک - تاکتیکی، تاکتیکی - عملیاتی و موشک‌های بالستیک میان‌برد امکان کنترل بر فضای هوایی شرق مدیترانه تا شمال آنکارا را برای روسیه فراهم کرد. ابتکار هدفمند روسیه در تأمین محیط امن و

1. Tartus

2. Air Defense (SA-22)

3. Pantsir

4. Onyx (P-800)

5. Yakhont

6. Khmeimim

نفوذناپذیر مهمترین مؤلفه تأثیرگذار بر جنگ سرد میان روسیه و متحدان ناتو در بُعد امنیتی نومنطقه‌گرایی است. ضرورت تأمین امنیت تسلیحات استراتژیک با هدف بازدارندگی و موازنه هسته‌ای در پیرامون دریای سیاه از سال ۲۰۱۳ با استقرار موشک‌های اسکندر اس اس-۲۶ با برد ۴۰۰ کیلومتر در پایگاه گیومری^۲ ارمنستان افزایش یافت. پوشش وسیع استراتژی عدم دسترسی و منع منطقه‌ای روسیه در پایگاه‌های سوریه؛ راه‌اندازی مخفیانه موشک‌های بالستیک اسکندر در پایگاه حمیمیم و موشک‌های اسکراب اس اس-۲۱^۳ در پایگاه طرطوس در فوریه ۲۰۱۷ را به دنبال داشت که راهبردی موازنه‌ای در برابر حفظ نود بمب اتم بی-۶۱ آمریکا در پایگاه هوایی اینجریلیک^۴ ترکیه از دوران جنگ سرد است (Binnie, 2017: 12).

نظامی‌گری صرف روسیه در قالب صف‌آرایی تسلیحات متعارف و نامتعارف با هدف ارتقای قابلیت‌های دفاعی و تهاجمی کانون قدرت متحدان ناتو در دامنه جنوبی را لرزاند که در نهایت به ارائه بسته دفاعی در حمایت از امنیت ملی ترکیه انجامید. ارتقای حضور دریایی و هوایی ائتلاف شامل سکوی هواپیماهای گشت دریایی و سیستم کنترل و هشدار هواپیمایی آواکس^۵ با پشتیبانی کشتی‌های جنگی آلمان و دانمارک، طراحی دفاع ضد موشکی جدید با موشک‌های زمین به هوای ایتالیا در خاک ترکیه و اعزام ناوشکن آرلای بورک کلاس آمریکا در دریای سیاه و جنگنده‌های پیشرفته در پایگاه اینجریلیک بالاترین سطح حمایت نظامی از ترکیه بود (Emmott, 2015: 6). در عمل با وجود حمایت‌های اعضای ناتو از ترکیه تغییر معادلات منطقه‌ای به نفع روسیه و قدرت‌یابی شبه‌نظامیان جنوب سوریه چرخشی راهبردی در سیاست‌های منطقه‌ای ترکیه ایجاد کرد. نگرانی ترکیه نسبت به شکنندگی امنیت ملی در بازی جدید بین قدرت‌های بزرگ در مجاورت مرزهای جنوب ترکیه و گسترش نفوذ روسیه در شرق مدیترانه همگرایی نظامی ترکیه با روسیه را تقویت کرد. توافق خرید سامانه دفاعی

1. Iskander (SS-26)

2. Gyumeri

3. Scarab (SS-21)

4. Incirlik

5. Airborne Warning and Control System (AWACS)

6. Arleigh Burke-Class

اس - ۴۰۰ بین ترکیه و روسیه پیروزی بزرگ برای تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای به نفع روسیه و مؤلفه‌ای تأثیرگذار به منظور گسترش همکاری‌های راهبردی برای مقابله با تهدیدات مشترک است. پیامد کوتاه‌مدت این معامله امتناع آمریکا از واگذاری سامانه دفاع موشکی زمین به هوای پاتریوت^۱ و مهم‌تر از آن جنگنده‌های پیشرفته اف - ۳۵ به ترکیه است که قدرت مانور روسیه در شرق مدیترانه را افزایش خواهد داد (Roblin, 2018: 1).

در واقع نفوذ روسیه به سیستم نظامی ناتو عنصر غیرهمگرایانه‌ای میان ترکیه و سایر اعضای آن برای هماهنگی عملیاتی در بحران‌های منطقه‌ای و چالشی در همکاری‌های استراتژیک نظامی ایجاد می‌کند. همچنین پیرنگ شدن ائتلاف راهبردی - نظامی روسیه با ترکیه به آزادی نامحدود تردد ناوگان نظامی روسیه از گذرگاه بسفر و داردانل^۲ ترکیه به مدیترانه می‌انجامد که عنصر کلیدی برای تجدید قوا و تحکیم موقعیت ناوگان روسیه در پایگاه‌های شرق مدیترانه خواهد بود (Bekdil, 2017: 6).

راهبرد بلندمدت روسیه برای گسترش هژمونی در شرق مدیترانه همزیستی توأم با تنش با مهم‌ترین متحد آمریکا در شرق مدیترانه را اجتناب‌ناپذیر کرده است. روسیه با استقرار سیستم‌های دفاع هوایی دوربرد، اجرای عملیات و قدرت مانور جنگنده‌های رژیم صهیونیستی بر فراز سوریه را کاهش داده است (Magen and Pikel, 2016: 6). مشارکت استراتژیک روسیه با رژیم صهیونیستی به دلیل گستردگی تجاوز هوایی رژیم صهیونیستی به پایگاه‌های سوریه به وقوع تنش نظامی بر فراز پایگاه هوایی لاذقیه انجامید. پرواز جنگنده رژیم صهیونیستی در پوشش یک فرود هواپیمای شناسایی ایلوشین ام - ۲۰۳ روسیه سقوط هواپیمای این کشور با پانزده خلبان در سپتامبر سال ۲۰۱۸ شد. این حادثه موجب تحویل سامانه دفاعی اس - ۳۰۰ به ارتش سوریه شد. واگذاری چنین تجهیزات پیشرفته‌ای به سوریه سپری مستحکم در برابر تجاوز جنگنده‌های رژیم صهیونیستی و نیروهای ائتلاف در سراسر سوریه ایجاد کرد (<https://www.warsawinstitute.org>).

1. Patriot

2. Bosphorous and Dardanelles

3. Ilyushin (M-20)

در حوزه جبهه‌گیری دریایی دو قدرت در مدیترانه، روسیه در سپتامبر ۲۰۱۸، ۲۵ ناو جنگی مجهز به موشک‌های کروزر کالیبر^۱ از شمالگان، دریای بالتیک^۲، دریای خزر و دریای سیاه و سی هوایما و بالگرد در قالب برگزاری رزمایشی با عنوان مانور مدیترانه به شرق مدیترانه اعزام کرد (https://navaltoday.com). بزرگترین مانور دریایی روسیه در مدیترانه با اطمینان از گسترش شکاف‌ها میان متحدان ناتو و ترکیه و مهار قدرت تهاجمی رژیم صهیونیستی با پشتیبانی سیستم‌های پیشرفته دفاعی اجرا شد. بنابراین نمایش قدرت تهاجمی روسیه در قالب رزمایش ضد تروریسم دورنمایی از سیاست‌های نونمطه‌گرایی برای مقابله با پیشروی ناتو و آمریکا در حوزه نفوذ روسیه در مدیترانه است.

موفقیت سیاست‌های ناووراسیاگرایی روسیه با هدف نظم منطقه‌ای چندجانبه‌گرا، به حضور نظامی در مناطق ژئوپلیتیک خارج از بحران‌های منطقه‌ای و رقابت‌های پایاپای به چالشی برای نظام تک‌قطبی سلطه‌گرایانه منجر شده است. درگیری کشورهای ساحلی با بحران‌های ناشی از رشد تروریسم؛ پیشروی به مناطق امن راهبردی برای تجدید قوا و شکل‌دهی به ائتلاف‌های جدید را ضروری کرده است. موقعیت محوری قبرس برای کنترل بر کشورهای ساحلی شرق مدیترانه عرصه‌ای فارغ از تنش نظامی برای شکل‌دهی به نظم چندقطبی‌گرای مورد نظر روسیه است. گسیل یگان‌هایی از نیروی دریایی روسیه به قبرس در سال ۲۰۱۵ با اختیار کنترل بندر لیماسول^۳ و پایگاه هوایی پافوس^۴ در درجه اول واکنش به حضور پررنگ ناوگان دریایی انگلستان در پایگاه اکروتیری^۵ از دوران جنگ سرد است. از طرفی حضور نظامی روسیه برای قبرس نیروی بازدارنده‌ای برای تعادل در برابر جاه‌طلبی ترکیه در قبرس شمالی است (Wentworth, 2015: 7). قبرس دروازه ورود به کشورهای شرق مدیترانه به دلیل فاصله اندک از مرزهای ترکیه و رژیم صهیونیستی ضلع دوم قدرت دریایی روسیه محسوب می‌شود که برای پشتیبانی عملیات‌های نظامی

1. Kalibr
2. Baltic
3. Limassol
4. Paphos
5. Akrotiri

روسیه جایگاه راهبردی دارد. حضور پررنگ روسیه در پایگاه‌های قبرس ضمن تکمیل حلقه محاصره ناوگان ائتلاف در شرق مدیترانه کنترل سراسری بر شرق مدیترانه را تسهیل می‌کند.

۷. جاه‌طلبی ژئوپلیتیک روسیه در مصر و لیبی و کاهش فشار غرب بر شرق مدیترانه

وقوع تحولات موسوم به بهار عربی در کشورهای ساحلی شمال آفریقا زمینه ورود روسیه به بازی قدرت با هدف احیای جایگاه از دست رفته را تسریع کرد. در این راستا بازگشت روسیه به پایگاه‌های سابق شوروی با هدف کنترل مرزهای جنوبی متحدان ناتو و پشتوانه تدارکاتی برای تداوم حضور نظامی در شرق مدیترانه را اجتناب‌ناپذیر می‌کند. ژئوپلیتیک منحصربه‌فرد مصر در جنوب شرق مدیترانه حلقه اتصال خاورمیانه به قاره آفریقا و خط مقدم سازمان‌دهی تحرکات نظامی و نفوذ به مناطق پیرامونی در حوزه جنوبی مدیترانه است. وقوع کودتای سال ۲۰۱۳ مصر به رهبری عبدالفتاح السیسی نقطه تحول در سیاست خارجی و همگرایی نظامی با روسیه برای مقابله با جاه‌طلبی یکجانبه آمریکا بود. این سیاست که به دلیل کاهش حمایت‌های مالی و تسلیحاتی آمریکا به مصر صورت گرفت، میدان را برای توسعه‌طلبی ژئوپلیتیک روسیه در شمال آفریقا مناسب کرد (Shay, 2016: 3).

گام نخست برای تحکیم و گسترش توسعه‌طلبی تا مرزهای غرب مصر با پیمان نظامی به ارزش ۳/۵ میلیارد دلار و واگذاری سامانه دفاعی اس - ۳۰۰، جنگنده‌های میگ^۱ هلیکوپترهای ام - ۳۵ و زیردریایی برداشته شد. هم‌زمان با رشد روزافزون تهدید تروریسم، اجرای سیاست‌های نوآوراسیایگرایی روسیه با هدف چالش نظم منطقه‌ای آمریکامحور در جنوب مدیترانه تشدید شده است. برگزاری تمرین مشترک دریایی روسیه و قبرس با عنوان پل دوستی در بندر الکساندریا^۲ در ژوئن ۲۰۱۵ پاسخی آشکار به مانور دریایی ستاره تابان مصر با آمریکا و نمایش قابلیت‌های نظامی برای همکاری بلندمدت با روسیه بود. دستاورد

1. Mig

2. Alexandria

راهبردی روسیه در این مانور سلطه مجدد بر پایگاه شوروی سابق و تداوم برگزاری مانورهای سالیانه چتربازان مشترک با عنوان مدافعان دوستی که مؤلفه‌ای کلیدی برای موازنه قدرت با آمریکا در جهان تک - چندقطبی در ژئوپلیتیک جنوب مدیترانه است. برگزاری سالیانه مانور دریایی در سواحل غربی مصر زمینه کنترل بر پایگاه‌های اتحاد شوروی سابق در شهرهای مارسا ماترا^۱ و سیدی برانی^۲ را فراهم کرد که مکانی برای اجرای سیاست‌های جاه‌طلبانه ژئوپلیتیک روسیه فراتر از مرزهای مصر است (Stewart and Noueihed, 2017: 23).

مصر با واگذاری اختیار استفاده از پایگاه‌ها و فضای هوایی برای جنگنده‌های روسیه، نخستین سامانه دفاع هوایی دوربرد اس - ۳۰۰ را در ژوئن ۲۰۱۷ تحویل گرفت که این معامله اهرمی برای کنار زدن هژمونی آمریکا از نقش آفرینی در تحولات داخلی مصر است. اعزام نیروهای عملیات ویژه و هوایم‌های بدون سرنشین روسی به پایگاه سیدی برانی مصر در نوامبر ۲۰۱۷ حمایت از ارتش ملی شرق لیبی را آشکار کرد که گامی به سوی سیاست نومنطقه‌گرایی روسیه و بازیابی قدرت در دیگر پایگاه‌های سابق است (Iddon, 2017: 3). تجاوز ناتو به لیبی در سال ۲۰۱۱ و حذف معمر قذافی از قدرت؛ آرمان روسیه برای تأسیس پایگاه دریایی بنغازی را برای مدتی به تعویق انداخت. برخلاف مصر، ژئوپلیتیک لیبی به دلیل مجاورت با مرزهای جنوبی متحدان ناتو سنگر راهبردی و نقش پشتیبان را برای تداوم حضور بلندمدت روسیه در شرق مدیترانه و خط مقدم مقابله با تهدیدات ناتو از جناح غرب مدیترانه دارد. هدف اصلی روسیه پر کردن خلأ ژئوپلیتیک در دوره پساقذافی است. راهبرد کلیدی روسیه در لیبی برقراری ثبات و با حکومتی دارای پشتیبان نظامی است (Mikhelidze, 2019: 4). پشتیبانی تسلیحاتی روسیه از ارتش ملی شرق لیبی به رهبری ژنرال^۳ خلیفه حفتر از افسران ارشد معمر قذافی و آموزش یافته ارتش سرخ شوروی اجرای سیاست‌های نومنطقه‌گرایی روسیه در برابر رقبای فرامنطقه‌ای را تشدید کرده است ژنرال خلیفه حفتر بهترین تضمین‌کننده منافع ژئوپلیتیک و راهبردی روسیه در

1. Mersa Matruh

2. Sidi Barrani

3. General

شمال آفریقا خواهد بود. اولین گام با ابتکار روسیه در ائتلاف ضد تروریسم با مشارکت مصر و ژنرال حفتر زمینه عقد معاهده‌ای دوجانبه برای دریافت کمک‌های آموزشی و نظامی در ازای بازگشت ناوگان روسیه به پایگاه دریایی بنغازی برداشته شد.

با این حال نقطه عطف در جاه‌طلبی نظامی روسیه و شکل دهی به نظم امنیتی روسیه محور در سواحل جنوب مدیترانه اعزام ناو هواپیمابر آدمیرال کوزنتسوف^۱ به ساحل بنغازی در مسیر بازگشت از سواحل سوریه بود. کنفرانس مشترک خلیفه حفتر با سرگی شایگو^۲ وزیر دفاع روسیه در ژانویه سال ۲۰۱۷ حول محور مقابله با سازمان‌های تروریستی، تدارک تسلیحات شامل تانک، جنگنده و سیستم‌های دفاعی زمین به هوا، سازمان‌دهی ارتش لیبی و احیای تسلیحات روسیه برای ارتش ملی لیبی نشانه‌ای آشکار از تلاش برای نگه داشتن قطب قدرت ارتش ملی لیبی در اردوگاه روسیه و جلوگیری از همکاری متحدان ناتو با ژنرال خلیفه حفتر است. در حوزه راهبردی عمق همکاری‌های دوجانبه با انعقاد پیمانی برای ساخت دو پایگاه نظامی در سواحل بنغازی^۳ و توبروک^۴ نمایان شد. این کار قابلیت‌های لجستیک^۵ روسیه برای مانور نظامی در مرکز مدیترانه را ارتقا می‌دهد و چالشی بزرگ برای قدرت‌نمایی اعضای ناتو در شرق و جنوب مدیترانه ایجاد خواهد کرد (Mezran and Beccaro, 2017: 81). با تعمیق روابط روسیه با حفتر و پیشروی‌های میدانی ارتش ملی در مارس ۲۰۱۹ حدود سیصد سرباز روسی از گروه واگنر^۶ به نیروهای خلیفه حفتر در بنغازی پیوستند تا امنیت بنادر توبروک و درنا^۷ را برای ناوگان روسیه تأمین کنند (Luhn and Dominic, 2019: 23). در همین زمان پرواز دو هواپیمای شناسایی ایلوشین ۷۶ روسیه از پایگاه نظامی حفتر در شرق لیبی در آوریل ۲۰۱۹ و انجام مأموریت شناسایی در مرزهای هوایی مصر، اردن و رژیم صهیونیستی حاکی از

1. Admiral Kuznetsov

2. Sergei Shoigu

3. Benghazi

4. Tobruk

5. Logistic

6. Wagner

7. Derna

گسترش هژمونی نظامی روسیه در سراسر شرق مدیترانه و پشتیبانی اطلاعاتی از پایگاه‌های نظامی در جنوب مدیترانه است (<https://aje.io>).

نبرد داخلی لیبی، تداوم حملات نیروهای حفتر به طرابلس^۱ و نبودن استراتژی جامعه از سوی حکومت وفاق ملی و متحدان اروپایی برای مقابله با آن به تحکیم فزاینده جایگاه روسیه در لیبی بیشتر از سال‌های قبل از ۲۰۱۱ و سقوط معمر قذافی انجامیده است.

۸. جمع بندی و نتیجه‌گیری

روسیه بعد از روی کار آمدن یلتسین سیاست‌های غرب‌گرایانه‌ای در پیش گرفت و عملاً گرایش به سوی آمریکا با اهداف توسعه داخلی را داشت. با توجه به قدرت ناسیونالیسم روسی این مسئله به زودی موجب ایجاد شکاف و جبهه‌گیری ناسیونالیست^۲‌های روسی شد. ایده نوآراسیاگرایی در حقیقت هدف اولیه خود را احیای عظمت و شکوه گذشته نظامی و اقتصادی روسیه می‌داند و از سوی دیگر درصدد غلبه بر نظم نوین و یکجانبه‌گرایانه آمریکا در سطح نظام بین‌المللی است. این سیاست‌ها بعد از روی کار آمدن پوتین خود را به شکل منطقه‌گرایی نشان داد. اشغال کریمه و بخش‌هایی از گرجستان در واقع نشان داد که هویت روسی به دنبال احیا و مکان‌یابی نوین در نظم جهانی است.

روسیه برای رسیدن به هدف بازیابی قدرت جهانی و تأثیرگذاری بر نظم بین‌المللی نوین، با ارائه ایده نوآراسیاگرایی عملاً هژمونی و سلطه آمریکا را به چالش کشید و با ایجاد مناطق مختلف سیاسی و امنیتی یکجانبه‌گرایی آمریکا را با بحرانی بزرگ مواجه کرد. آمریکا که بعد از فروپاشی شوروی سابق خواب نظام تک‌قطبی را می‌دید با حرکت نوین روسیه و همراهی برخی قدرت‌های جهانی الگویی از نظام تک - چندقطبی را احیا کرد. نوآراسیاگرایی عملاً موجب شکل‌گیری نظم نوینی در منطقه شرق مدیترانه و خاورمیانه شده است و آمریکا دیگر قادر نیست در منطقه فعال مایشاء باشد. ایجاد شکاف در بین متحدان منطقه‌ای آمریکا از جمله ترکیه و مصر و... باعث شده است تا روسیه در مجاورت

1. Tripoli

2. Nationalist

حیات خلوت آمریکا حضور نظامی پیدا کند. روسیه با حضور در شرق مدیترانه عملاً درگیری را از داخل کشور به مناطق پیرامون منتقل کرده و گروه‌های افراطی را در سوریه به دام انداخته است.

غلبه‌گرایی نوآر آسیاگرایی پیامد اوج‌گیری تنش و رقابت برای نفوذ ژئوپلیتیک با آمریکا و متحدان ناتو در مناطق راهبردی جنوب روسیه است. هسته سیاست‌های نومنطقه‌گرایی روسیه بر پایه چالش نظام تک‌قطبی تحت رهبری آمریکا از مسیر سازمان دهی به ائتلاف‌های نظامی در منطقه‌ای به ابتکار روسیه است. تجاوز ائتلاف به رهبری آمریکا برای سلطه بر آخرین پایگاه روسیه در شرق مدیترانه منجر به صف‌آرایی گسترده نظامی روسیه برای برقراری موازنه قدرت داخلی به نفع حکومت سوریه و موازنه منطقه‌ای در ائتلاف با کشورهای ساحلی شرق مدیترانه بر ضد هژمونی آمریکا و ناتو است. سیاست گسترش شکاف در ائتلاف به رهبری آمریکا با حمایت روسیه از تجاوز ترکیه به مناطق شمال غرب سوریه شکل گرفت. این استراتژی روسیه پیروزی راهبردی چندبُعدی برای همگرایی بیشتر نظامی با ترکیه بزرگترین متحد ناتو در دامنه جنوبی و در مجاورت مرزهای دریای سیاه است. همچنین به تأمین اهداف راهبردی و دیپلماتیک روسیه در مذاکرات صلح سوریه به رهبری روسیه یاری رساند. دستیابی روسیه به موازنه قدرت نظامی با کاربرد تسلیحات متعارف و نامتعارف و استراتژی‌های دفاعی بازدارنده، کانون قدرت‌نمایی نیروهای ناتو در منطقه را نشانه گرفت که محرکی برای مشارکت راهبردی در حیات خلوت روسیه با کشورهای متحد آمریکا شد. دستاوردهای موفقیت‌آمیز روسیه در مبارزه با تروریسم در سوریه سنگ‌بنای گسترش همکاری با کشورهای قربانی تروریسم در شمال آفریقا و دسترسی مجدد به پایگاه‌های نظامی سابق برای ایفای نقش کلیدی در نظام تک - چندقطبی است. ورود روسیه به بازی قدرت در شمال آفریقا از جهت سلطه بر آب‌های جنوبی مدیترانه اهمیت زیادی برای حراست از جایگاه در شرق مدیترانه دارد. راهبرد احیای جایگاه سابق در پایگاه‌های نظامی شمال آفریقا روسیه را به سوی همکاری‌های نظامی بلندمدت با مصر برای عقب راندن آمریکا از مهمترین گذرگاه مدیترانه به سوی اقیانوس هند کرد. همگرایی روسیه با مصر باعث پیوند نزدیک و حمایت تسلیحاتی و راهبردی از ارتش ملی شرق لیبی و عقب نماندن

از بازی قدرت با رقبای غربی در سواحل مهمترین متحد سنتی در شمال آفریقا شد. این مقاله روشن کرد که مبارزه روسیه با تروریسم در سوریه و گسیل گسترده ناوگان دریایی و تجهیزات تهاجمی و تسلیحات راهبردی ابزاری برای تحمیل نظم مطلوب روسیه در سراسر دامنه جنوبی اعضای ناتو و مقابله با تهدیدات آنها در اروپای شرقی و حیات خلوت روسیه در دریای سیاه است که تنها در سایه برقراری موازنه قدرت با آمریکا و متحدان در شرق مدیترانه حاصل شده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع و مأخذ

۱. آقابخشی، علی (۱۳۶۴). فرهنگ علوم سیاسی، تهران، تندر.
۲. امیدی، علی (۱۳۸۸). منطقه‌گرایی در آسیا: نگاهی به سازمان‌های اکو و آسه آن و سارک، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه.
۳. کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). نظریه همگرایی در روابط بین‌الملل، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۴. هتته، بجورن، آندراش اینوتای و اوزالدو سونکل (۱۳۹۱ الف). جهان‌گرایی و منطقه‌گرایی، مترجم علیرضا طیب، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
۵. ---- (۱۳۹۱ ب). دیدگاه‌های کشورهای جنوب درباره منطقه‌گرایی نو، مترجم علیرضا طیب، تهران، اداره نشر وزارت امور خارجه.
6. Bodansky, Yossef (2016). "Russia Looks South", *ISPSW Strategy Series: Focus on Defense and International Security*, Issue, No. 439, Available at: <http://www.ispsw.de>.
7. Binnie, Jeremy (2017). "Iskander Missile Launcher Spotted in Syria", *IHS Jane's Defence Weekly*, Available at <http://www.janes.com/article/59182/iskander-missilelauncher-spotted-in-syria>.
8. Bekdil, Burak E. (2017). "It Is Done Deal: Turkey Plans to Deploy Russian Air Defense System in 2019", *Defense News*, Accessed at: 28/11/2107.
9. Dugin, Alexander (2014). "Eurasian Mission an Introduction to Neo-Eurasianism", *UK: Arktos Media Ltd.*
10. Emmott, Robin (2015). "NATO Agrees Turkey Air Defense Package: Seeks Predictability", *Reuters*, Available at: <http://www.reuters.com/article/us-mideast-crisis-turkey-nato-exclusive-idUSKBN0U123520151218>.
11. Ersen, Emre (2004). "Neo-Eurasianism and Putin's Multipolarism in Russia Foreign Policy", *Turkish Review of Eurasian Studies*, Annual 4.
12. Fedorov, Yury (2006). "Beffins and Buffoons: Different Strain of Thought in Russia's of Strategic Thinking", *Chatham House*, FEPBP 06/01.

13. Gurcan, Metin (2017). "What's The Hold Up in Turkey's Battle for Al-Bab? ", *Al Monitor*, Available at <http://www.al-monitor.com/pulse/originals/2017/01/turkey-syria-euphrates-shield-al-bab-offensive-stalls.htm1/ixzz4wupjllay>.
14. Holsti, K.J (1992). "International Politics", *A Framework of Analysis*, Prentice-Hall, Newjersey.
15. Harzvi, Shay (2016). "The Return of The Russian Bear To The Middle East", *Sadat Center for Strategic Studies Middle East Security Studies*, Barilan University Begin No.
16. Hettne, Bjorn (1994). "The New Regionalism: Implications for Global Development and International Security", *WIDER, World Institute for Development Economics Research*.
17. Holmboe, Rolf (2017). "Nato's Soft Southern Flank", *Canadian Global Affairs Institute*, Nato SERIES, CGAI Fellow ISBN: 978-1-988493-65-7, Available at: www.cgai.ca.
18. Huntington, Samuel P. (1999). "The Lonely Superpower, Bully of The Free World", *Foreign Affairs*.
19. Iddon, Paul (2017). "Russia Expanding Middle East Footprint with Egypt Bases", *The New Arab*, Available at: <https://www.alaraby.co.uk/english/indepth/2017/12/15/Russia-Expanding-Middle-East-Footprint-With-Egypt-Bases>.
20. Kalininy, Kirill (2018). "Russian Elites and Dugin's Neo-Eurasianism: Empirical nalysis of 2012 and 2016 Sources of Conflict Between Russia and West", *Hamilton college*, Clinton, NY, Available at: <https://ssrn.com/abstract=3160401>.
21. Lo, Bobo (2002). "Russia Foreign Policy in The Post-Soviet Era, Reality, Ilusion and Mythmaking", *Palgrave Macmillan*, ISBN. 333.77593-700.
22. Long, Duncan and David C Gompert (2017). "Smarter Power, Stronger Partners, Volume II", *Trends in Force Projection Against Potential Adversaries, RAND Corporation*, Santa Monica, Calif, Available at: <http://www.rand.org/t/RR1359z1>.

23. Luhn, Alice and Nicholls Dominic (2019). "Russian Mercenaries Back Libyan Rebel Leader as Moscow Seeks Influence in Affrica", *in The Telegraph*.
24. Magen, Zvi and Udi Pekel (2016). "Does Russia's Intervention in Syria Hold Opportunities For Israel? ", Available at: [http://: www.inss.org.il/StrategicSurvey](http://www.inss.org.il/StrategicSurvey).
25. Mezran, Karim and Andrea Beccaro (2017). "Foreign Actors in Libya's Crisis: Russia Looking For A Warm Sea", *Atlantic Council (ISPI)*, ISBN 9788867056453.
26. Mikhelidze, Nona (2019). "Italy Sidlined as Russia Consolidates Position in Libya", *IAI institute Affair International*, Issn 2532-657.
27. Nexon, Daniel H (2009). "Realism, Alliances, Balance of Power A Theoretical Perspective", *A Study in Alliance Formation and Balance of Power*.
28. Persson, Gudrun (2016). "Russian Military Capability in A Ten-Year Perspective 2016", *Stockholm FOI-R-4326-SE*, Available at: [https://www.foi.se/report-search/pdf? File name=D%3A%5CReportSearch%5CFiles%5C5fa9f](https://www.foi.se/report-search/pdf?File%20name=D%3A%5CReportSearch%5CFiles%5C5fa9f).
29. Perry, Tom and Orhan Coskun (2018). "U.S. Led Coalition Helps To Build New Syrian Force, Angering Turkey", *Reuters*, Available at: <https://ww.reuters.com/article/us-mideast-crisis-syria-sdf/us-led-coalition-helps-to-turkey-idUSKBN1F300A>.
30. Pinko, Eyal (2017). "Russian Anti-Access/Area-Denial(A2/AD) in The Mediterranean Arena", *Haifa Research for Maritime Policy and Strategy*, University of Haifa. Available at: <https://www.researchgate.net/publication/321026249>.
31. Rangsimaporn, Paradorn (2006). "Interpretations of Eurasianism: Justifying Russia's Role in East Asia", *Europe-Asia Studies*, 58, No. 3.
32. Roblin, Sebastien (2018). "America's Big Fear: Turkey Mixing F-35s and Russia's S-400 Air Defense System What Could Go Wrong?", *The National Interest*, available at: <https://nationalinterest.org/blog/buzz/f-35s-and-russias-s-400-air-defense-system-25152>.

33. Stewart, Phil and Lin Noueihed (2017). "Russia Appears to Deploy Forces in Egypt, Eyes on Libya Role - Sources", *Reuters*, Available at: <https://www.reuters.com/article/us-usa-russia-libya-appears-to-deploy-forces-in-egypt-eyes-on-libya-idUSKBN16K2RY>.
34. Shay, Shaul (2016). "Exercise "Defenders of Friendship 2016" and Egypt-Russia Strategic", *Institute For Policy And Strategy (IPS) Lauder School of Government*, Herzlia.
35. Tsygankov, Andrei P. (1998). "Hard Line Eurasianism and Russia's Contending Geopolitical Perspectives", *East European Quarterly*, 32.
36. Waltz, Kenneth N (1979). "*Theory of International Politics*", New York, McGrawHill.
37. Wentworth, Travis (2015). "Russia's Other War – Cyprus Naval Ports", *NVC Review*, Available at: <http://www.nvcreview.com/russias-other-war-cyprus-naval-ports>.
38. Yesiltas, Murat (2018). "Turkey's Strategic Reasoning Behind Operation Olive Branch", *SETA Perspective* no:34, Available at: www.setav.org/nenehatum.cd.no.ankara/turkey.
39. <http://www.warsawinstitute.org/about-us/warsawinstitute.russia's-s-300-in-syria-shoigu-versus-israel>. <https://navaltoday.com/2018/08/30/russia-announces-25-ship-mediterranean-sea-drill>.
40. <http://www.kremlin.ru> (2016). Russia's Maritime Policy for The Period Up to 2030 Chapter 2, Paragraph 24a.
41. <https://aje.io/4gml9>. Libya: Flight Data Places Mysterious Planes in Haftar Territory", *aljazeera*, 28 may 2019.